

ارزیابی اثرات کلان سیاست خصوصی سازی بر وضعیت مالی دولت و شرکت های دولتی ایران

نویسندگان: دکتر اکبر کمیجانی* - محمدرحیم احمدوند**

چکیده

بر اساس مبانی نظری و تجربه سایر کشورها، مهم ترین هدف خصوصی سازی، افزایش کارایی و بهبود وضعیت مالی دولت و شرکت های دولتی بوده است. در ایران نیز یکی از عوامل کلیدی در اجرای فرایند خصوصی سازی فایق آمدن بر عدم کارایی و مشکلات مالی دولت و شرکت های دولتی بوده است. در این مقاله به مطالعه اثرات خصوصی سازی بر وضعیت مالی دولت و شرکت های دولتی طی سال های ۱۳۶۸-۷۷ پرداخته می شود، که از طریق ارزیابی عملکرد خصوصی سازی، بررسی تغییر و تحولات شاخص های معرف حجم و وضعیت مالی دولت و شرکت های دولتی و تجزیه و تحلیل میزان، ترکیب و روند بدهی های دولت و شرکت های دولتی به سیستم بانکی انجام می شود. نتایج حاصل از عملکرد خصوصی سازی و تحولات مربوط به اکثر متغیرهای مالی عمومی دولت نشان می دهد که برخلاف انتظار و مبانی نظری و تجربه سایر کشورها طی سال های خصوصی سازی، حجم دولت گسترده تر گردیده و بهبود قابل ملاحظه ای در وضعیت مالی دولت و شرکت های دولتی حاصل نشده است.

مقدمه

در ایران وجود مسائلی موجب گردید طی دهه های گذشته حضور دولت در اقتصاد به صورتی تعیین کننده مطرح گردد. که از جمله این مسائل می توان به عدم کارایی و نقص در سیستم بازار و

* - دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

** - کارشناس معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

دولتی، تعدد در اهداف، فقدان توجیه اقتصادی برای بسیاری از فعالیت‌ها در بخش دولتی و ... لذا سیاست خصوصی‌سازی به عنوان یک راه حل عملی برای اصلاح ساختار مالکیت و مدیریت بنگاه‌ها و انتقال برخی از امور دولتی به بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفت که همزمان با اجرای برنامه اول توسعه با هدف افزایش کارایی اقتصادی و بهبود وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی بود و به عنوان یکی از راهکارهای محوری تلقی گردید.

بنابراین در مقاله حاضر بعد از مروری کوتاه بر مبانی نظری و اهداف خصوصی‌سازی، به بررسی و تحلیل اثر اجرای سیاست خصوصی‌سازی بر وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی طی دوره ۷۷-۱۳۶۸ پرداخته می‌شود، که این بررسی از طریق ارزیابی عملکرد واگذاری‌ها، شاخص‌های مربوط به مالیه عمومی و وضعیت بدهی‌های بخش دولتی به سیستم بانکی انجام می‌شود.

مبانی نظری سیاست خصوصی‌سازی

تا قبل از بحران بزرگ اقتصادی، در جوامع غربی و براساس دیدگاه‌های اقتصادی اولیه کلاسیک، نظر بر محدود بودن دامنه فعالیت‌های اقتصادی دولت بود. وقوع بحران و عواقب حاصل از آن و همچنین برخی تحولات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی دیگر در طول دهه‌های ۳۰ الی ۶۰ موجب گردید که دولت‌ها علاوه بر اجرای طرح‌های زیربنایی از قبیل: حمل و نقل، ارتباطات، انرژی، بانکداری، بیمه و امور آموزشی، بهداشتی

نبود بخش خصوصی کارآمد، لزوم ایجاد زیربنای اولیه اقتصادی به عنوان گام نخست برای تسهیل سرمایه‌گذاری و فعالیت بخش خصوصی، تسهیل فرایند و هدایت برنامه‌های توسعه از طریق مدیریت عالی فرایند برنامه، فقدان ابزارها و عوامل مورد نیاز بهره‌برداری از منابع طبیعی، پیگیری و تحقق اهداف اجتماعی و رفاهی و غیر اقتصادی دولت‌ها، حساسیت در تولید و ارائه کالاها و خدمات عمومی، کمک به ارتقای فن‌آوری، تخصیص بهینه منابع و ... اشاره کرد. بر این اساس شرکت‌های دولتی ایجاد و تعدد یافت و مسائلی از قبیل، به حداکثر رسانیدن تولید، اشتغال، درآمدهای ارزی، ایجاد مازاد برای سرمایه‌گذاری، تأمین امنیت، خودکفایی اقتصادی - اجتماعی و تحقق اهداف اجتماعی، استراتژی شکل‌گیری و فعالیت آنها را توجیه می‌نمود. روند گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی دولت و ایجاد شرکت‌های دولتی در سال‌های بعد از انقلاب بنا به دلایل متعدد افزایش یافت و صنایع بسیاری که براساس شاخص‌ها و معیارهای بخش خصوصی ایجاد شده بودند مصادره و ملی اعلام شد.

با وجود موفقیت نسبی راهبرد اقتصادی در ایران و تحقق برخی اهداف اقتصادی - اجتماعی، به مرور زمان عللی باعث عدم کارایی بر فعالیت‌های اقتصادی دولت و شرکت‌های دولتی گردید، که می‌توان این علل را به این ترتیب نام برد: تداخل فعالیت‌های انتفاعی و غیرانتفاعی دولت، فقدان سیستم مناسب ارزیابی و حسابرسی شرکت‌های دولتی، مدیریت نامطلوب بنگاه‌های

به اجرا درآمد. در این راستا، در ایران نیز هیأت وزیران با توجه به اصول ۱۳۴ و ۱۳۸ قانون اساسی و بندهای ۳۷-۴، ۱-۸، ۲-۸، ۳-۸ جزو خط‌مشی‌های قسمت یکم قانون برنامه اول توسعه و به منظور ارتقای کارایی فعالیت‌های اقتصادی و کاهش حجم تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی غیرضروری و نیز ایجاد تعادل اقتصادی و استفاده بهینه از امکانات کشور، سیاست خصوصی سازی و واگذاری سهام شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی را تصویب و اجرا نمود. در حالی که اهداف مهم خصوصی سازی در کشورهای پیشرفته، افزایش کارایی و بهبود وضعیت مالی دولت بوده در کشورهای در حال توسعه، هدف‌ها گستره وسیع تری را در برمی گیرد. به طوری که بالا بردن کارایی تخصیص منابع، استفاده بهتر از منابع مالی شرکت‌ها، کاهش کسری بودجه، گسترش پایه مالکیت، توسعه بازار سرمایه و دسترسی به سرمایه و فن آوری خارجی، کاهش مداخله دولت و بالاخره توزیع مناسب ثروت و درآمد، مهم ترین اهدافی هستند که سیاست خصوصی سازی در این کشورها دنبال می نماید. راهبردهای ملی، شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، وضعیت مالی - عملیاتی شرکت‌های دولتی و ... از جمله مهم ترین فاکتورهای تعیین کننده اهداف خصوصی سازی در هر کشور می باشند. در یک دسته بندی کلی می توان اهداف خصوصی سازی را به دو هدف کلی افزایش

و ... بسیاری از صنایع کوچک و بزرگ کارخانه‌ای را که بخش خصوصی به خوبی قادر به انجام آنها بود در قالب شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی تحت انحصار و تصدی خود در آورند!

روند رو به گسترش دخالت دولت در انجام فعالیت‌های اقتصادی با وجود یک دوره موفقیت به ویژه طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، در اواخر دهه ۱۹۷۰ و طول دهه ۱۹۸۰ به دلایل مختلف از جمله وجود انحصار دولتی در انجام امور اساسی، وابستگی مالی - مدیریتی در امور زیربنایی حساس، تعدد و تزلزل در اهداف و ... با عدم کارایی همراه گردید. بنابراین مقولاتی چون یافتن اندازه مناسب دخالت دولت، کارایی بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی، جایگزینی دخالت دولت با نظارت و هدایت و ... بین صاحب نظران و اندیشمندان اقتصادی و سیاسی شکل گرفت.

بدین ترتیب، مجادلات نظری در محافل علمی نسبت به دخالت دولت و متقاعد شدن مدیران و تصمیم گیران اجرایی و سیاسی کشورها نسبت به تخصیص غیر بهینه و ناکارآمد منابع تولید در اثر گسترش حجم دولت و بروز اختلالات در ابعاد مختلف اقتصادی، فکر و ایده بازنگری در سهم و اندازه دخالت، دولت را جدی تر نمود و سیاست خصوصی سازی و کاهش حجم دخالت دولت به منظور رفع اختلالات و افزایش کارایی اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۷۰ پذیرفته شد و در برخی کشورها

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به منابع ۲ و ۴ رجوع شود.

کارایی و بهبود وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی خلاصه نمود.

در مورد افزایش کارایی اقتصادی توجه و عنایت به دو مقوله «کارایی داخلی بنگاه»^۲ و «کارایی تخصیص منابع»^۳ لازم و ضروری است. اگرچه افزایش کارایی در هر دو مقوله، هدف خصوصی‌سازی است اما باید توجه داشت که این دو مقوله لزوماً در طول همدیگر نمی‌باشند و گاه سیاستگذار در فرایند خصوصی‌سازی مجبور می‌شود یکی را به جای دیگری فدا کند.

تغییر مالکیت و افزایش رقابت که در نتیجه خصوصی‌سازی حاصل می‌گردد، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عواملی هستند که موجب افزایش کارایی اقتصادی می‌گردند به عبارت دیگر ریشه افزایش کارایی را باید در استقلال مدیریت، مالکیت و انعطاف‌پذیری جست‌وجو نمود. استقرار نظام مدیریت عقلایی و پویا و مالکیت فردی ابزار تولید، نیروی محرکه اصلی افزایش کارایی داخلی بنگاه و به حداقل رسانیدن هزینه نهایی تولید است. آنچه یک واحد بخش دولتی را از یک واحد بخش خصوصی متمایز می‌سازد این واقعیت است که دارایی‌های یک واحد دولتی در تملک شخص حقیقی و یا حقوقی خاصی نیست و از این رو نمی‌تواند به سهولت و سرعت با شرایط اقتصادی جدید هماهنگ گردد. این عامل یکی از مهم‌ترین

عوامل کاهش کارایی در بخش دولتی می‌باشد. در مقابل، رفتار یک مدیر بخش خصوصی به دلیل استقلال، انعطاف‌پذیری و سرعت در تصمیم‌گیری، عقلایی‌تر و اقتصادی‌تر از رفتار یک مدیر بخش دولتی است. استقلال و انعطاف‌پذیری موجب می‌گردد که مدیر بخش خصوصی راحت‌تر و سریع‌تر در مقابل تغییرات شرایط اقتصادی حساسیت نشان دهد و خود را با آنها هماهنگ و همسو نماید.

بنابراین آنچه که از فرایند خصوصی‌سازی مورد انتظار می‌باشد، اصلاح، استقلال و انعطاف‌پذیری لازم در نظام مدیریت و انتقال مالکیت واحدهای دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی است. خصوصی‌سازی هنگامی می‌تواند به افزایش کارایی داخلی بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی بینجامد که انتقال مالکیت را در پی داشته باشد، در غیر این صورت مهم‌ترین هدف خصوصی‌سازی نادیده گرفته شده است.

مثلاً "تجربه کشورهای کره جنوبی، سنگال، بنگلادش، چین و ژاپن در طول دهه ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که در تشکیلات بوروکراسی دولتی افزایش کارایی، تضمین استقلال مدیریت و به کارگیری انضباط مالی حاکم بر بازار بدون انتقال مالکیت کاری، دشوار و دور از ذهن است.^۴ بعد از انتقال مالکیت، مهم‌ترین عامل مؤثر

۲- منظور از کارایی داخلی بنگاه، مصرف بهینه نهاده‌ها، بالا بردن کارایی عوامل تولید و نهایتاً کاهش هزینه تولید است.

۳- مراد از کارایی تخصیص منابع، هدایت منابع جامعه در فعالیت‌های مطلوب، مصرف بهینه آنها و واکنش عرضه در راستان خواست مصرف‌کننده است که نهایتاً موجب کاهش قیمت‌ها در سطحی گردد، که به هزینه تولید نزدیک است.

4- World Bank "Privatization The Lesson Of Experience" June 1992.PP.3-6.

حاصل از رفتار این بنگاه‌ها را جبران می‌کند. بنابراین یکی از مشکلات عمده دولت‌هایی که در حجم وسیعی در فعالیت‌های اقتصادی شرکت می‌کنند، تأمین منابع مالی و زیان‌های حاصل از عملکرد فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های دولتی است، که نهایتاً به کسری بودجه‌های بسیار بالا و مشکلات مالی و بدهی‌های داخلی و خارجی منجر می‌گردد.

برای مثال: بین سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ زیان شرکت‌های دولتی بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی در آرژانتین ۹ درصد، یوگسلاوی ۸ درصد و بیشتر از ۵ درصد در صحرای آفریقا بوده است. در طول دهه ۱۹۸۰ حدود نیمی از ۳۵۰ شرکت دولتی تانزانیا زیانده بوده‌اند. در سال ۱۹۸۵ مازاد عملیاتی شرکت‌های دولتی در ترکیه به شدت کاهش یافت و کارایی نهایی سرمایه در این شرکت‌ها حداکثر نصف بخش خصوصی بوده است. پرداخت‌های انتقالی و یارانه‌های پرداختی به شرکت‌های دولتی بیشتر از ۳ درصد تولید ناخالص داخلی در مکزیک در سال ۱۹۸۲، ۴ درصد در ترکیه در سال ۱۹۹۰، ۹ درصد در لهستان در سال ۱۹۸۹ بوده است.^۵ مشکلات مذکور طی سال‌های اواخر دهه ۷۰ و طول دهه ۸۰ در کشورهای اروپایی چون انگلستان، فرانسه، ایتالیا و ... نیز با درجه‌ای از اختلاف وجود داشته است. به همین دلیل فشارهای مالی حاصل از عملکرد

در افزایش کارایی، ایجاد فضای رقابتی است، به طوری که موفقیت و عدم موفقیت خصوصی سازی را می‌توان در گرو فضای رقابتی دانست که سیاست در آن اجرا می‌شود. در فضای غیررقابتی انتقال مالکیت و خصوصی سازی قبل از آنکه مشکلی را حل کند، مشکل خواهد آفرید و انحصار دولتی به انحصار خصوصی تبدیل می‌شود، که مسلماً زیانبارتر است. واگذاری واحدهای انحصاری گرچه موجب افزایش کارایی داخلی بنگاه می‌شود اما ممکن است باعث کاهش کارایی تخصیص منابع شود. بنابراین اگر نتوان واحدهای واگذار شده را با شرایطی رقابتی مواجه نمود باید یک جابه‌جایی بین افزایش کارایی داخلی و کارایی تخصیص منابع را پذیرفت. لیکن انتقال مالکیت و ایجاد فضای رقابتی، شرط لازم و کافی برای افزایش کارایی در اجرای فرایند خصوصی سازی است.

تصمیمات تولیدی، تجاری، قیمت‌گذاری و سرمایه‌گذاری در واحدهای دولتی عمدتاً از تصمیم‌گیری‌های سیاسی - اجتماعی متأثر است و در این راستا اهداف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی متعدد و متنوعی دنبال می‌شود که لزوماً با هم هماهنگ و همسو نیستند. واحدهای دولتی معمولاً کالاها و خدمات خود را با قیمتی کمتر از قیمت بازار عرضه می‌کنند و در نتیجه دولت با پرداخت یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم، زیان

5- Sunita Kikeir, John Nellis and Mary Shirley "Privatization : the Lesson of Experience" , Washington D.C:

The World Bank, 1993, P.15.

سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی آن تأثیر خواهد گذاشت^۶. ولی به نظر می‌رسد دولت برای حفظ درآمد خود باید مالکیت آن دسته از شرکت‌ها را واگذار نماید که برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ارزش بیشتری نسبت به دولت دارد. بنابراین سودآورترین واگذاری شامل آن دسته از بنگاه‌هایی می‌باشد که دارای مدیریت ضعیفی بوده و از کارایی پایین تری برخوردارند و از نظر سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، ارزش آن بیش از ارزش دولتی است.

مسئله مهم و اساسی این است که این اختلاف ارزش‌گذاری از کجا نشأت می‌گیرد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت اختلاف مذکور همان علت اصلی و محوری انتخاب و اجرای سیاست خصوصی‌سازی است و آن عبارت از تفاوت رفتاری بین بخش خصوصی و دولتی است. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی با کارآفرینی، مدیریت بهینه منابع، ابتکارات، نوآوری و ... قادرند از منابع و امکانات بنگاه استفاده بهینه نموده و کارایی شرکت را افزایش داده و جریان سود آتی را حداکثر نمایند. مسأله‌ای که طی دهه ۱۹۷۰ در بخش دولتی و شرکت‌های دولتی با شک و تردید مواجه بود و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مشخص گردید که قطعاً اتفاق نمی‌افتد.

در جمع بندی مطالب فوق می‌توان گفت علت اصلی واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی عبارت از دو

ضعیف و غیرکارایی بنگاه‌های اقتصادی دولتی از جمله یکی از عوامل گرایش به سوی خصوصی‌سازی در اکثر کشورها بوده است.

خصوصی‌سازی از طریق عدم پرداخت هزینه و یارانه به واحدهای واگذار شده، افزایش کارایی در عملکرد، کسب درآمدهای مالیاتی در طول زمان و درآمد حاصل از فروش سهام آنها موجب کاهش مشکلات مالی، کسری بودجه و بدهی‌های داخلی و خارجی دولت می‌گردد.

نکته‌ای که توجه بدان بسیار دارای اهمیت است اینکه، افزایش درآمد دولت از فروش سهام بنگاه‌های دولتی را نباید به عنوان منبع درآمد اصلی در نظر گرفت، به عبارت دیگر انتقال مالکیت بنگاه‌ها به بخش خصوصی، نباید به منزله افزایش ثروت مالی دولت محسوب شود.

در حقیقت فروش سهام یک بنگاه بخش دولتی به عنوان مبادله‌ای بین یک جریان درآمدی آتی به صورت جریان نقدی مثبت چنانچه بنگاه سودآور باشد و یک مقدار نقدی پول (قیمت فروش پرداختی توسط خریدار) و عایدی که از طریق مالیات در سال‌های آتی به دست می‌آید، تلقی می‌شود. اگر دو مقدار مذکور برحسب ارزش فعلی برابر باشند ثروت خالص دولت در فرایند خصوصی‌سازی تغییر نمی‌کند، اگرچه حجم پول نقدی که از فرایند واگذاری سهام شرکت‌ها به دولت تعلق می‌گیرد بر وضعیت نقدینگی و

۶- آثار فرایند خصوصی‌سازی به لحاظ درآمدی بر وضعیت دولت را می‌توان با استفاده از عملیات ریاضی به شرح زیر تحلیل نمود. ارزش

حال عایدی یک بنگاه تحت پوشش دولت برابر است با: (ادامه در صفحه بعد) ←

عامل است: یکی اینکه احتمال حصول ارزش حال عایدی‌های بنگاه (V_g) تحت مالکیت و مدیریت دولت بسیار پایین و با مشکل مواجه می‌باشد و دوم اینکه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ضمن

←

$$V_g = \frac{\pi - rB_1}{(1+r)} + \frac{\pi - rB_2}{(1+r)^2} + \dots$$

درآمد دولت = V_g

π = جریان عایدی طی سال‌های آتی

B_i = مقدار بدهی

r = نرخ بهره ثابت

حال باید دید ارزش این بنگاه از نظر سرمایه‌گذار بخش خصوصی چه می‌باشد. اگر فرض کنیم در زمانی که سرمایه‌گذاران خصوصی مالکیت بنگاه را دارند، مقدار جریان سود سال‌های آتی، بدهی و نرخ بهره تغییر نکند و درصدی از سود ایجاد شده (a) بین سهامداران توزیع شود و در نتیجه سود سرمایه یا سود توزیع نشده برابر با $(1 - a)$ است

مقدار تغییر در ثروت سهامداران جدید (ΔW_i)، تابعی از مالیات بر درآمد بنگاه (TC)، جریان سود سال‌های آتی (π_i)،

بدهی‌ها (B_i)، نرخ بهره (r) و آمیزه‌ای از مالیات بر درآمد شخص و مالیات بر سود سرمایه (Z) خواهد بود.

$$\Delta W_i = (1 - TC)(\pi_i - rB_i)(1 - Z)$$

بنابراین حداکثر قیمتی که سرمایه‌گذاران خصوصی، حاضر به پرداخت هستند برابر خواهد بود با:

$$V_p = (1 - Z)(1 - TC) V_g$$

لیکن، با فروش بنگاه به قیمت V_p دولت تنها کسری از ارزش اولیه بنگاه را به دست می‌آورد و از طرف دیگر دولت در طول زمان

مالیات‌ها را جمع‌آوری می‌کند که این مقدار مالیات برابر است با:

$$T_i = [TC + (1 - TC) Z (\pi_i - rB_i)]$$

که ارزش فعلی جریان مالیات‌ها طی سالیان آتی عبارت است از:

$$\sum T_i = [TC + (1 - TC) Z] V_g$$

یعنی اینکه اگر دولت هر بنگاه را به فروش برساند مقدار V_p را بلافاصله به دست می‌آورد و در دوره‌های بعدی به میزان $\sum T_i$ نیز

مالیات بدان افزوده می‌شود یعنی:

$$V_p + \sum T_i = V_g$$

بنابراین واگذاری سهام بنگاه برای دولت از نقطه نظر مالی بدون تأثیر است و تنها تفاوت در زمان‌بندی جریان‌های نقدی است.

یعنی ادامه مالکیت دولت یک جریان درآمدی را طی سال‌های آینده و خصوصی‌سازی یک پرداخت فوری را با یک جریان مالیاتی در

سال‌های آینده ایجاد می‌کند.

دولتی، نهادها، بنیادها و ... موفق به واگذاری مبلغ ۶۱۲۷/۴ میلیارد ریال سهام به بخش خصوصی، نهادها و مؤسسات بخش عمومی و دولت شده‌اند. از کل رقم واگذاری مبلغ ۴۲۶۷/۱ میلیارد ریال، ۶۹/۶ درصد از روش بورس و مبلغ ۱۸۶۰/۳ میلیارد ریال، ۳۰/۴ درصد از روش‌های مزایده و مذاکره صورت گرفته است.

سازمان صنایع ملی ایران با مبلغ ۱۵۶۲/۴ میلیارد ریال ۲۵/۵ درصد، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با ۱۴۸۵ میلیارد ریال ۲۴/۲ درصد و بانک صنعت و معدن با مبلغ ۱۲۸۰/۴ میلیارد ریال ۲۰/۹ درصد، از کل واگذاری‌ها به ترتیب رتبه اول تا سوم را به خود اختصاص می‌دهند. سازمان‌های مذکور در مجموع مبلغ ۴۳۲۷/۸ میلیارد ریال ۷۰/۶ درصد و سایر سازمان‌ها، نهادها، بنیادها، وزارتخانه‌ها تنها مبلغ ۱۷۹۹/۶ میلیارد ریال ۲۹/۴ درصد از کل واگذاری‌ها را انجام داده‌اند.

بیش از ۵۰ درصد از کل مبلغ ۴۳۲۷/۸ میلیارد ریال واگذاری انجام شده، توسط سه سازمان عمده و اگذارکننده به سازمان‌های دولتی، نهادها، مؤسسات و ...، فعال در بخش عمومی بوده است. قابل توجه است که مبلغ ۱۲۸۰/۴ میلیارد ریال واگذاری بانک صنعت و معدن را نباید جزو برنامه خصوصی سازی دولت محسوب نمود. زیرا این بانک به صورت خصوصی اداره می‌گردد و وظیفه‌ای نیز برای دولت در واگذاری‌ها منظور

پرداخت بهای بخشی از ارزش سرمایه گذاری سهام شرکت‌ها به صورت نقد، با استفاده بهینه از منابع، (از طریق بهبود وضعیت مالی شرکت، تخصیص بهینه منابع، جلوگیری از سوء مدیریت‌ها، افزایش کارایی اقتصادی، صرفه‌جویی در پرداخت‌ها، استفاده از شرایط بازار، توان کارآفرینی بخش خصوصی و ...) در آینده یک جریان درآمدی مثبت و واقعی به نام مالیات نیز برای دولت ایجاد می‌کند. ولی انتظار کسب درآمد مستقیم از طریق فروش سهام شرکت‌های دولتی حداقل در کوتاه مدت به نظر انتظار درستی نمی‌آید. مضافاً اینکه درآمدی هم که از این طریق به دست می‌آید باید در راستای فضا سازی و بسترسازی‌هایی هزینه شود که بتواند سود بنگاه‌های خصوصی شده را طی سال‌های آتی حداکثر نماید تا بدین طریق جریان درآمد مالیاتی مطمئن تری در آینده برای دولت فراهم کند.^۷

در قسمت بعدی مقاله از طریق برخی شاخص‌های مربوط به مالیه عمومی، وضعیت بدهی‌های دولت و عملکرد خصوصی سازی، تأثیر فرایند خصوصی سازی بر وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی در ایران مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

الف) ارزیابی عملکرد خصوصی سازی ۱۳۶۸-۱۳۷۷ همان طوری که جدول (۱) نشان می‌دهد، طی دوره ۷۷-۱۳۶۸ وزارتخانه‌ها و سازمان‌های

۷- برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به منبع شماره ۲۰ مراجعه شود.

نگریده است.

نکته قابل توجه دیگر اینکه ردیف‌های بودجه شماره ۵۹۴۰۰۰ مربوط به فروش سهام سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شماره ۳۹۰۸۰۰ مربوط به فروش سهام سازمان صنایع ملی ایران در قوانین بودجه نشان می‌دهد که در مجموع از درآمد مصوب ۵۸۰ میلیارد ریال این دو سازمان طی سال‌های ۷۵-۱۳۷۰ تنها ۱۱۹/۴ میلیارد ریال حاصل گردیده است.^۸

با عنایت به نتایج حاصل از عملکرد واگذاری سهام رقم ۶۱۲۷/۴ میلیارد ریال از سال ۱۳۶۸ لغایت پایان نیمه اول سال ۱۳۷۷ و با توجه به اینکه بیش از ۵۰ درصد واگذاری‌ها در بخش عمومی و دولت اتفاق افتاده و منابع مالی جدیدی را برای دولت ایجاد نکرده است، می‌توان گفت که درآمد حاصل از فرایند خصوصی سازی آنقدر ناچیز می‌باشد که قادر نیست در وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی بهبودی حاصل نماید و کسری بودجه واقعی و میزان وابستگی دولت به سیستم بانکی و درآمدهای نفتی برای تأمین مالی آن بکاهد. نکته دیگری که در این رابطه باید به آن توجه خاص شود، اینکه براساس قانون ایثارگران مصوب ۱۳۷۳/۵/۱۲، دولت در فروش سهام باید ۵۷ درصد سهام قابل واگذاری را به ایثارگران واگذار نماید. روش فروش عملاً به صورت اقساطی می‌باشد و بهای سهام فروخته شده طی ۵ تا ۷ سال به دولت یا دستگاه واگذارنده پرداخت

می‌گردد. از سوی دیگر دولت باید تسهیلات لازم را نظیر تأمین منابع مورد نیاز برای پیش پرداخت بهای سهام را نیز تأمین کند. بنابراین درحالی‌که خصوصی سازی و واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به دنبال کاهش بار مالی دولت و بهبود آن می‌باشد، اجرای قانون مذکور، نه تنها موجب کاهش و بهبود وضعیت مالی دولت نمی‌گردد، بلکه برای دولت نیز تعهد ایجاد می‌نماید و در صورتی که سهام شرکت‌های نسل دوم و ... نیز واگذار شود، دولت به پرداخت تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز مکلف خواهد بود. در یک تحلیل کلی و به استناد آمار و اطلاعات حاصل از عملکرد خصوصی سازی در ایران به نظر می‌رسد که اجرای سیاست مذکور نیز نتوانست کارایی اقتصادی را افزایش دهد و بهبودی در وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی حاصل نماید. البته لازم به توضیح است که براساس مبانی نظری و تجربه سایر کشورها، این مشکل نه بر سیاست خصوصی سازی بلکه به نحوه اجرای آن در ایران برمی‌گردد.

فرایند خصوصی سازی در ایران با شتابی عجولانه و در فضایی نامناسب و کارشناسی نشده به اجرا درآمد. در فضایی که حجم فعالیت‌های اقتصادی دولت، ترکیب عوامل تولید، تعداد و میزان دارایی‌های شرکت‌های دولتی، کارایی عوامل و سایر معیارها و شاخص‌های نشان دهنده عملکرد بخش دولتی، تقریباً در ابهام بود. با وجود نقش حساس و کلیدی بازارهای مالی و

۸- قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۵

شرکت‌های دولتی، فقدان آشنایی عامه مردم با سرمایه‌گذاری در بورس و ... موجب گردید در قیمت‌گذاری سهام بین ارزش سرمایه‌گذاری و قیمت‌گذاری اموال و دارایی‌ها فرقی در نظر گرفته نشود و معمولاً "قیمت‌گذاری‌ها براساس ارزیابی اموال و دارایی‌ها در فضایی غیررقابتی صورت گرفت، که این قضیه موجب بروز بحث‌های ضد و نقیض فراوان و تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شد به طوری که برخی به ارزان فروشی سهام شرکت‌های دولتی معتقد بودند و برخی از این روش قیمت‌گذاری استقبال کرده و به عنوان یک تحول مثبت اقتصادی از آن یاد می‌کنند.

گروه‌های صاحب‌نفع به‌طور واضح و قانون‌مند تعریف نشد، برای ارزیابی و گزینش خریداران سهام، معیار و ضوابطی تعیین نگردید، توانایی مالی - مدیریتی و کارآفرینی خریداران در ارتباط با افزایش کارایی، حفظ اشتغال و بسط سرمایه‌گذاری‌های جدید مورد مطالعه و ارزیابی قرار نگرفت.

ابهام در حقوق مالکیت و ضمانت اجرای آن طی سال‌های اخیر خود به‌عنوان مانعی بر سر راه استقبال مردم در خرید سهام و انجام سرمایه‌گذاری‌های وسیع و بلندمدت مطرح بوده و هست، به طوری که نامشخص بودن دامنه مالکیت خصوصی و مصادره و ملی‌سازی‌های مکرر، بخش خصوصی را به محافظه‌کاری و مخفی‌کاری متمایل نموده و در نتیجه بخش غیررسمی اقتصاد از توانایی بیشتری نسبت به بخش رسمی برخوردار شده است. عدم ثبات در راهبردهای اقتصادی و سازوکار

سرمایه در اجرای فرایند خصوصی‌سازی، امکانات و توانایی آنها مورد مطالعه و ارزیابی قرار نگرفت و نتیجه بین حجم سهام قابل واگذاری و میزان نقدینگی و توانایی‌های بازار سرمایه، هماهنگی به‌وجود نیامد، ولی کاملاً "طبیعی است که روند واگذاری‌ها از این بابت دچار تغییر و تحول گردد. میزان و خصوصیات پس‌اندازها در اقتصاد و رفتار پس‌اندازی مردم، مورد توجه قرار نگرفت به طوری که گستردگی بخش اقتصاد غیررسمی، ماهیت پس‌اندازها که بیشتر به صورت مسکوک طلا، خرید کالاها و بادوام و واحد مسکونی، جایگزینی ارز به جای پول ملی، موجب گردید که روش‌های واگذاری متکی به بازارهای سرمایه چندان توفیقی نداشته باشند. این قضیه را می‌توان در روند واگذاری‌ها در بازار بورس طی سال‌های خصوصی‌سازی به‌خوبی دید.

اهداف خصوصی‌سازی گرچه براساس مبانی نظری خصوصی‌سازی بود، اما به دلیل تضاد بین آنها و عدم اولویت‌بندی و زمان‌بندی در عمل، دستیابی به آنها با مشکل مواجه شد. برای مثال افزایش کارایی اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین هدف خصوصی‌سازی به‌فراوانی سپرده شد و به‌جای آن هدف کسب درآمد پیگیری شد که البته همان‌طوری که اشاره شد در تحقق این هدف نیز توفیق قابل ملاحظه‌ای حاصل نگردید.

مکانیزم روشن و قابل دفاعی برای قیمت‌گذاری سهام شرکت‌های دولتی اندیشیده نشد، تحولات اقتصادی، تغییرات مکرر نرخ ارز، ضعف‌های متعدد بازار بورس، ناشناخته بودن مفهوم سهام

ب) بررسی روند شاخص‌های معرف حجم و وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی

براساس مبانی نظری و تجربه برخی از کشورهای موفق در اجرای فرایند خصوصی سازی، فرایند واگذاری سهام شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بخش خصوصی باید حجم دولت و شرکت‌های دولتی، ارقام بودجه‌های مربوط به آنها کاهش یابد و وضعیت مالی دولت از بُعد کسری بودجه و بدهی‌های داخلی و خارجی بهبود یابد.

بررسی مختصر در مورد بودجه شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، بیانگر عدم اجرای واقعی سیاست خصوصی سازی در کشور است، درحالی که بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت بیش از ۵۰ درصد بودجه کل کشور را طی سال‌های قبل از خصوصی سازی به خود اختصاص داده است و کاهش حجم تصدی و دخالت‌های دولت در اقتصاد به عنوان یکی از محورهای اساسی خصوصی سازی در کشور مطرح گردیده است و علی‌القاعده با اجرای سیاست خصوصی سازی باید سهم بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت کاهش یابد. جدول (۲) تغییرات سهم بودجه شرکت‌های وابسته به دولت را در بودجه کل کشور برای دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷ نشان می‌دهد. همان‌گونه که ارقام موجود در جدول مذکور نشان می‌دهد ارتباط منطقی و همسویی بین تغییرات سهم بودجه شرکت‌های دولتی در بودجه کل کشور با فرایند خصوصی سازی وجود ندارد. حتی طی سال‌های

بازار و بروز علایم غیرواقعی از برآیند آنها، خود موجب نابسامانی در عملکرد بخش خصوصی، واگذاری سهام و مانع بهبود کارایی در عملکرد شرکت‌های واگذار شده گردیده است.

علاوه بر موارد برشمرده شده در بالا، عدم وجود عزم راسخ و همیاری و همکاری ملی، عدم وجود یک نهاد مستقل خصوصی سازی برای مدیریت، هدایت و کنترل و نظارت بر فرایند خصوصی سازی در مراحل قبل و بعد از واگذاری، خود بر وخامت اوضاع افزود. طوری که بیشتر سازمان‌های دولتی و بخش عمومی در فرایند خصوصی سازی شرکت نکردند و عملیات واگذاری سهام عملاً توسط خود سازمان‌های دارنده واحدها انجام شد، کنترل و نظارت دقیقی در حین واگذاری و بعد از واگذاری بر رفتار بنگاه‌ها اعمال نگردید. فقدان یک مرکز و بانک اطلاعاتی به هنگام، برای اطلاع‌گیری و اطلاع رسانی از فرایند خصوصی سازی، موجب گردید آمار و اطلاعات دقیق و لازم برای ارزیابی عملکرد خصوصی سازی در دسترس نباشد. این مشکل در واگذاری‌های خارج از بورس با شدت بیشتری وجود دارد.

مجموعه عوامل مذکور و عوامل بسیاری دیگر که در اینجا به آنها پرداخته نشد، مثل وابستگی واحدهای واگذار شده به ارز برای تأمین نیازهای اساسی و فقدان بازار رسمی و غیررسمی برای تأمین ارز موجب گردید، به طور کلی فرایند خصوصی سازی در تحقق اهداف خود از جمله افزایش کارایی و بهبود وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی با مشکل و تنگنا مواجه گردد.

۲۵۰۰ واحد و ارزش روز دارایی‌های آنها ۹۰۰ هزار میلیارد ریال برآورد شده است.^{۱۳}

بودجه کل کشور از ۹۷۴۱/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۲۳۰۴۴۰/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷ رسیده که بیانگر رشدی معادل ۲۲۶۵/۵ درصد می‌باشد. بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت از ۵۴۵۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۱۵۳۹۸۶/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷ رسیده که بیانگر رشدی معادل ۲۷۲۱/۳ درصد می‌باشد جدول (۲). در حالی که براساس مبانی نظری و تجربه سایر کشورها باید این ارقام کاهش می‌یافتند.

زیان شرکت‌های دولتی از ۷/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۶۰۱۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ رسیده است که خود بیانگر بدتر شدن وضعیت کارایی اقتصادی در این شرکت‌ها است. میزان وابستگی دولت به درآمد حاصل از فروش نفت، طی دوره مورد بررسی به شدت افزایش یافته و از ۲۱/۲ درصد سال ۱۳۶۸ به ۷۳/۴ درصد در سال ۱۳۷۳ رسیده است. این مسأله

اجرای فرایند خصوصی‌سازی سهم بودجه شرکت‌های دولتی در بودجه کل کشور افزایش نیز یافته، به طوری که از ۵۶ درصد سال ۱۳۶۸، به ۶۷ درصد در سال ۱۳۷۷ رسیده است. این مسأله بیانگر این واقعیت می‌باشد که طی دوره خصوصی‌سازی حتی حجم دولت و شرکت‌های دولتی افزایش نیز یافته است و این برخلاف مبانی نظری و تجربه سایر کشورها در زمینه خصوصی‌سازی است. به عنوان نمونه برای اولویت‌بندی واگذاری شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۶۹ تنها یک نمونه شامل ۷۷۰ واحد مورد مطالعه قرار گرفت (که البته عملاً در جریان واگذاری‌ها ترتیبات پیشنهادی این مطالعه مختصر نیز رعایت نگردید و شرکت‌هایی برای واگذاری معرفی شدند که در نمونه مذکور نبودند)، در حالی که در سال ۱۳۷۰ تعداد شرکت‌های دولتی ۱۸۷۵ واحد^{۱۰} و ارزش روز و دفتری دارایی‌های آنها به ترتیب ۴۰۰ و ۲۸ هزار میلیارد ریال برآورد شده است^{۱۱} و در سال ۱۳۷۱ تعداد شرکت‌ها ۲۲۲۱ واحد^{۱۲} و در سال ۱۳۷۵ تعداد شرکت‌ها

۹- سازمان برنامه و بودجه، بررسی امکان واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی تیرماه سال ۱۳۶۹، صفحه ۲۴

۱۰- روزنامه رسالت، «سیاست‌های دولت برای فعال کردن بنگاه‌های اقتصادی در چهار سال اول برنامه». ۲۲ خرداد سال ۱۳۷۲ بخش اقتصادی صفحات ۶ و ۱۵

۱۱- روزنامه رسالت، «برای واگذاری واحدهای دولتی به مردم ناتوانی اجرایی مشاهده می‌شود» چهارم خرداد سال ۱۳۷۲ بخش اقتصادی صفحه ۱۵.

۱۲- سازمان بورس اوراق بهادار تهران - اداره مطالعات و بررسی‌ها - «گفتاری پیرامون خصوصی‌سازی و اثرات آن بر بنگاه‌های تولیدی»، تیرماه سال ۱۳۷۴.

۱۳- روزنامه رسالت دوشنبه ۱۸/۴/۱۳۷۵، صفحه ۱۵

کاهش قیمت نفت در سطح بازارهای جهانی و در نتیجه کاهش درآمد حاصل از فروش آن برای دولت بوده است.

تأمین کسری بودجه و نیازهای دولت و شرکت‌های دولتی از طریق سیستم بانکی طی سال‌های مورد بررسی موجب رشد شدید حجم نقدینگی و در نتیجه تورم شده است. حجم نقدینگی از $۱۵۶۸۷/۶$ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به $۱۳۴۳۱۲/۵$ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶ (حدود ۷۵۶ درصد رشد) رسیده است. به تبع رشد حجم نقدینگی نرخ تورم هم از ۹ درصد سال ۱۳۶۹ به $۴۹/۵$ درصد در سال ۱۳۷۴ افزایش یافته است. نرخ تورم بعد از سال ۱۳۷۴ روند کاهشی پیموده و به $۱۷/۳$ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده است.

تنها شاخصی که بعد از روند افزایشی در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ طی سال‌های ۱۳۷۲، ۷۳ و ۷۴ روند کاهشی داشته است، کسری بودجه ظاهری دولت می‌باشد. علت اصلی این مسأله نیز یکی انتقال بخش قابل ملاحظه‌ای از بدهی‌های دولت به حساب شرکت‌های دولتی و دیگری ایجاد حساب ذخیره تعهدات ارزی طی سال‌های مذکور بوده است. حساب ذخیره تعهدات ارزی ضمن اینکه در بودجه، لحاظ نمی‌شود اما همانند بودجه عمل می‌کند و موجب افزایش حجم نقدینگی و در نتیجه تورم می‌شود. رقم کسری بودجه بعد از سال ۱۳۷۴ دوباره روندی افزایشی پیموده و به $۶۵۳/۳$ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶ رسیده است.

جمع‌بندی کلی اینکه برخلاف مبانی نظری، تجربه سایر کشورها و انتظار از فرایند

خود بیانگر این واقعیت است که دولت از طریق سایر منابع درآمدی نتوانسته است نیازهای خود را مرتفع سازد. نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت، طی دوره ۷۶-۱۳۶۷ در جدول (۲) به خوبی این مسأله را نشان می‌دهد. نسبت مذکور از ۴۷ درصد در سال ۱۳۶۷ به کمترین مقدار خود یعنی $۱۷/۵$ درصد در سال ۱۳۷۴ رسیده است. این در حالی است که طبق جدول (۳)، نسبت مذکور برای برخی کشورها حدود ۹۵ درصد می‌باشد. شاخص دیگری که می‌تواند میزان وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و نامناسب بودن ترکیب درآمدهای آن را نشان دهد، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است. همان‌طوری که جدول (۲) نشان می‌دهد، این نسبت نیز طی سال‌های مورد بررسی بهبودی نشان نمی‌دهد و از $۴/۵$ درصد در سال ۶۷ به ۴ درصد در سال ۷۴ رسیده است. جدول (۳) نسبت مذکور را برای ایران و برخی کشورهای دیگر در سال ۱۳۷۱ نشان می‌دهد. نکته‌ای که لازم است در اینجا اشاره شود اینکه میزان وابستگی دولت به درآمدهای نفتی بعد از سال ۱۳۷۳ روندی کاهشی پیموده و به $۴۱/۶$ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده است و متعاقب آن نسبت درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت و نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی نیز طی این سال‌ها روندی افزایشی پیموده و به ترتیب به $۲۶/۷$ درصد و $۶/۲$ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده‌اند. قابل توجه است که این تغییرات نه به خاطر بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، بلکه به موجب

مسئولیت‌های دولت و بهبود وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی، رقم بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی بسیار ناچیز بوده و حتی برای برخی سال‌ها منفی می‌باشد، یعنی اینکه سیستم بانکی به بخش دولتی بدهکار بوده است.

اما طی دوره ۷۶-۱۳۵۸ همان‌گونه که ارقام مندرج در جدول (۶) نشان می‌دهد رقم خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی به شدت شروع به افزایش می‌نماید و از ۹۸۷/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به ۶۶۲۴۳ میلیارد ریال (۶۷/۱ برابر) در سال ۱۳۷۶ می‌رسد. جنگ تحمیلی و هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاصل از آن، مصادره و ملی کردن شمار کثیری از شرکت‌های بخش خصوصی، اعتقاد به اقتصاد برنامه‌ای با مشارکت فعال دولت و در نتیجه گسترش شدید حوزه فعالیت‌های اقتصادی دولت، ضعف نظام مالیاتی، کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی، فقدان استفاده بهینه از امکانات بخش دولتی و شرکت‌های دولتی و ... که به‌طور کلی موجب فزونی هزینه‌ها، بردرآمدهای بخش دولتی، کسری بودجه و استقراض از سیستم بانکی شد را می‌توان مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد سریع بدهی‌های بخش دولتی به سیستم بانکی طی سال‌های بعد از انقلاب دانست.

با وجود اینکه روند بدهی‌های بخش دولتی به سیستم بانکی طی دوره مورد بررسی به صورت فزاینده‌ای در حال افزایش می‌باشد و هیچ‌گونه کاهشی را حتی طی سال‌های خصوصی‌سازی ۷۶-۱۳۶۸ نشان نمی‌دهد، اما با کمی دقت در

خصوصی‌سازی، طی سال‌های اجرای فرایند واگذاری شرکت‌های دولتی، حجم دولت و شرکت‌های دولتی، زیان شرکت‌های دولتی، سهم بودجه شرکت‌ها و بانک‌ها و مؤسسات دولتی از بودجه کل کشور، بودجه عمومی دولت، وابستگی به درآمدهای نفتی افزایش یافته و سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت و تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است که این تغییرات ضمن حکایت از گسترده‌تر شدن حوزه فعالیت دولت و شرکت‌های دولتی و بدتر شدن وضعیت مالی آنها، حکایت از فقدان بهبود کارایی فعالیت‌های اقتصادی دولت و شرکت‌های دولتی نیز دارد.

ج) بررسی روند و میزان بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی

معمولاً "بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی به دو بخش عمده بدهی دولت و بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به سیستم بانکی تقسیم می‌گردد. قابل توجه است که منظور از سیستم بانکی نیز عبارت از بانک مرکزی و بانک‌های تجاری و تخصصی است.

برای ارائه تصویری روشن از وضعیت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی و بانک‌های تجاری و تخصصی و تحلیل روند تغییرات آن طی دوره بعد از انقلاب، به‌ویژه دوره ۷۶-۱۳۶۸ جدول‌های (۴)، (۵) و (۶) تنظیم و تکمیل گردیده است.

در یک تحلیل کلی طی سال‌های قبل از ۱۳۵۸ بنا به علل مختلف از جمله محدود بودن حجم و

حدود ۷۵ ریال به ۱۷۵۰ ریال حاصل شده از جمله عوامل مهم و اساسی افزایش خالص بدهی های بخش دولتی به سیستم بانکی بوده است. ریشه و علت ایجاد کسری بودجه، شرایط اقتصاد کلان و چگونگی تأمین مالی کسری بودجه، برخی از عواملی می باشند که بر اثر تورمی آن مؤثرند. در این میان چگونگی تأمین مالی کسری بودجه بسیار مؤثرتر است.

افزایش مالیات ها، استقراض از مردم، استقراض از سیستم بانکی و استقراض خارجی مهم ترین راه های تأمین مالی کسری بودجه می باشند که اثر تورمی استقراض از سیستم بانکی بسیار بالاتر از سایر روش ها است. زیرا تأمین مالی کسری بودجه از روش استقراض از سیستم بانکی از طریق انتشار پول موجب افزایش قدرت خرید دولت در کوتاه مدت شده که در تشدید تورم نقش بسیار مهمی دارد.

وابستگی دولت به سیستم بانکی برای تأمین مالی کسری بودجه در ایران طی سال های بعد از انقلاب باعث گردیده بین تورم و کسری بودجه رابطه ای مستقیم برقرار شود. به عنوان مثال به طور متوسط طی دوره ۷۰-۶۵، ۹۰/۸ درصد کسری بودجه دولت از طریق استقراض از سیستم بانکی بوده است^(۹).

جدول (۶) آمار و اطلاعات مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل ارتباط بین کسری بودجه و تورم در ایران را نشان می دهد. ستون سوم جدول مذکور به خوبی روند فزاینده بدهی های بخش دولتی به سیستم بانکی طی دوره مورد بررسی به ویژه

ترکیب بدهی های بخش دولتی به سیستم بانکی در جدول های (۴) و (۵) به خوبی مشاهده می گردد که رشد بدهی های دولت طی سال های خصوصی سازی به سیستم بانکی بسیار کندتر از رشد بدهی های شرکت های دولتی به سیستم بانکی است. خالص بدهی دولت به سیستم بانکی از ۱۰۵۴۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۳۷۱۴۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶ رسیده که با ۲۵۲/۳ درصد رشد همراه بوده است. طی همین دوره خالص بدهی شرکت های دولتی به سیستم بانکی از ۷۵۸/۵ میلیارد ریال به ۲۹۱۰۱ میلیارد ریال رسیده که ۳۷۳۶/۶ درصد رشد نشان می دهد. این مسأله بیانگر جابه جایی بدهی های دولت با شرکت های دولتی به سیستم بانکی است، که این جابه جایی به موجب مجوز بانک مرکزی به بانک های تجاری و تخصصی در سال ۱۳۶۶ مبنی بر انجام عملیات مجاز بانکی با شرکت ها و مؤسسات دولتی صورت گرفته است. به عبارت دیگر می توان گفت طی سال های خصوصی سازی بدهی ها و کسری بودجه واقعی بخش دولتی کاهش نیافته است و ترکیب آن تغییر کرده است به طوری که از حساب دولت به حساب شرکت های دولتی منتقل گردیده است. به کارگیری این سیاست در راستای به صفر رسانیدن کسری بودجه دولت بوده است.

روند فزاینده بدهی شرکت های دولتی نزد بانک مرکزی و بانک های تجاری و تخصصی طی سال های ۷۶-۱۳۶۸ به خوبی مؤید این ادعا است. در یک جمع بندی کلی می توان گفت که حساب ذخیره تعهدات ارزی که در اثر تعدیل نرخ ارز از

کسری بودجه و افزایش نقدینگی در کشور است همچنان از افزایش چشمگیری برخوردار بوده‌اند که در نتیجه آن نرخ تورم همچنان به افزایش خود ادامه داده است. تنها اتفاقی که افتاد این بود که کسری بودجه ظاهری دولت کاهش یافت و عمدتاً به حساب شرکت‌های دولتی نزد سیستم بانکی و حساب ذخیره تعهدات انتقال یافته است. همان‌طوری که اشاره شد نتیجه این حساب اگرچه در بودجه منعکس نمی‌شود اما همان اثر کسری بودجه روی نقدینگی را دارد.

خلاصه کلام اینکه وضعیت بدهی‌های بخش دولتی به سیستم بانکی برخلاف انتظار طی دوره خصوصی‌سازی به جای کاهش، افزایش یافته است. زیرا همان‌طوری که اشاره شد ریشه این بدهی‌ها در عملکرد غیرکارای فعالیت‌های اقتصادی دولت و شرکت‌های دولتی است که به موجب مشکلات مربوط به اجرای فرایند خصوصی‌سازی این عدم کارایی بهبود نیافت و در نتیجه بدهی‌ها نیز همچنان به روند فزاینده خود ادامه دادند.

نتیجه‌گیری

عدم کارایی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی دولت و شرکت‌های دولتی و ضرورت استفاده بهینه از منابع کشور در راستای حصول رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی موجب گردید اجرای سیاست خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش غیردولتی به عنوان یکی از سیاست‌های محوری در برنامه اول توسعه با

سال‌های ۱۳۶۸ به بعد را نشان می‌دهد، با این توضیح که در این سال‌ها رشد بدهی‌های شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی بسیار بیشتر از بدهی‌های دولت به سیستم بانکی می‌باشد.

نتیجه‌ای که از جابه‌جایی بدهی‌ها می‌توان گرفت، این است که اگرچه در اثر کاهش بدهی‌های دولت کسری بودجه ظاهری طی سال‌های ۱۳۷۰ به بعد کاهش یافته است، اما بدهی‌های واقعی و در نتیجه کسری بودجه واقعی کاهش نیافته است. ستون رشد نقدینگی و نرخ تورم در جدول (۶) به خوبی این قضیه را بیان می‌کند.

با مقایسه ارقام کسری بودجه و نرخ تورم در جدول (۶)، می‌توان اظهار داشت که همبستگی مستقیم و بالایی، بین دو متغیر مذکور در اقتصاد ایران وجود دارد. به عنوان مثال ضریب همبستگی کسری بودجه و نرخ تورم طی سال‌های ۷۰-۱۳۵۸، ۸۱ درصد می‌باشد. همچنین در سال‌های ۶۴-۶۳ و ۶۹-۶۸ که کسری بودجه کاهش یافته نرخ تورم هم کاهش می‌یابد و با افزایش کسری بودجه در سال‌های ۶۵ الی ۶۷ و ۷۱-۷۰ نرخ تورم هم بالا رفته است. نکته قابل توجه اینکه این ارتباط و همبستگی به ظاهر طی سال‌های ۷۴-۱۳۷۲ صادق نیست. زیرا با کاهش کسری بودجه تورم همچنان در حال افزایش است. در این مورد می‌توان گفت ضمن اینکه تورم به عوامل متعدد دیگری نیز بستگی دارد، همان‌طوری که قبلاً اشاره شد کسری بودجه واقعی دولت نیز کاهش نیافته است و بدهی‌های بخش دولتی به سیستم بانکی که ریشه

دولت در جدول (۲) و (۳) ضمن حکایت از گسترده تر شدن بخش دولتی طی سال‌های خصوصی سازی، نشان از وضعیت بد مالی دولت و شرکت‌های دولتی نیز دارند.

۴- حجم بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به نظام بانکی نیز مبین این واقعیت است که طی سال‌های خصوصی سازی نه تنها وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی بهبود نیافته بلکه بدتر هم شده است.

با توجه به نتایج فوق توصیه می‌شود که دولت و شرکت‌های دولتی در فرایند خصوصی سازی هدف اصلی خود را افزایش کارایی اقتصادی قرار دهند و در راستای تحقق این هدف تمام تلاش خود را به کار گیرند. زیرا تنها در سایه تحقق هدف افزایش کارایی است که دولت می‌تواند در بلندمدت به هدف کسب درآمد و بهبود روند شاخص‌های معرف وضعیت بخش دولتی نایل آید. پیگیری هدف افزایش کارایی نیز بازنگری کلی و کارشناسانه‌ای در مسائل حقوقی - اجرایی و مدیریتی خصوصی سازی و شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه ضروری می‌نماید. در این راستا تشکیل نهاد مستقل اجرا و نظارت بر فرایند خصوصی سازی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اهداف ارتقای کارایی فعالیت‌های اقتصادی، کاهش حجم تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی غیرضروری و ایجاد تعادل اقتصادی و استفاده بهینه از امکانات کشور مد نظر قرار گیرد.

ارزیابی عملکرد خصوصی سازی، روند شاخص‌های معرف وضعیت بخش دولتی و مالیه عمومی و بدهی‌های بخش دولتی به نظام بانکی در مقاله حاضر نشان می‌دهد که:

۱- با وجود اهداف تعیین شده متناسب با مبانی نظری و تجربه سایر کشورها برای خصوصی سازی، در عمل هدف کسب درآمد برای دولت و سازمان‌های عمده واگذار کننده سهام در اولویت قرار گرفته است.

۲- در طول سال‌های اجرای سیاست خصوصی سازی (۱۳۶۸ تا پایان نیمه اول سال ۷۷) تنها حدود مبلغ ۲۴۲۳/۵ میلیارد ریال از سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی به عنوان عامه مردم واگذار شده است. رقم مذکور ضمن اینکه نسبت به ارزش برآورد شده حجم دارایی‌های دولت و شرکت‌های دولتی بسیار ناچیز است، نشان می‌دهد که خصوصی سازی در ایران حتی موفق به تحقق هدف کسب درآمد برای دولت و شرکت‌های دولتی نیز نشده است.

۳- شاخص‌های معرف وضعیت مالیه عمومی

(ارقام به میلیارد ریال)

جدول ۱: عرضه سهام شرکت‌های دولتی طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۷

سال	سازمان صنایع ملی ایران		سازمان گسترش توسازی صنایع ایران		بانک صنعت و معدن		سایر		جمع		جمع کل	سهم (درصد)
	بورس	سایر روش‌ها	بورس	سایر روش‌ها	بورس	سایر روش‌ها	بورس	سایر روش‌ها	بورس	سایر روش‌ها		
۱۳۶۸	--	--	۲/۴	۰/۵	۲/۴	۰/۵	۲/۷	۰/۳۵	۲/۱	۹۱/۴	۲/۱	۹۱/۴
۱۳۶۹	۱۰/۴	--	۲۱/۱	۲/۲	۲۱/۱	۲/۲	۲۱/۹	۵/۴	۳۷/۳	۸۵/۵	۳۷/۳	۸۵/۵
۱۳۷۰	۱۹۳/۳	۲۹/-	۸۳/۴	--	۸۳/۴	--	۳۳۷/۹	۳۶/۵	۳۷۲/۴	۲۵/۲	۳۷۲/۴	۹۰/۳
۱۳۷۱	۷۳/۵	۲۵/-	۵۴/-	۵۵/۱	۵۵/۱	۵۵/۱	۱۲۹/۱	۱۵۶/۴	۲۸۵/۵	۴۸/۷	۲۸۵/۵	۴۵/۲
۱۳۷۲	۸۲/۹	۱۳۰/۴	۳۸/۷	۱۳۳/۵	۱۹۳/۹	۵۵/۴	۲۶۹/۷	۲۸۹/۵	۷۵۹/۲	۴۸/۷	۷۵۹/۲	۴۸/۷
۱۳۷۳	۱۶۰/۳	۲۷۷/۸	۲/۷	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۲۹۴/۶	۵۳۵/۹	۹۳۰/۵	۲۲/۴	۹۳۰/۵	۲۲/۴
۱۳۷۴	۲۶/۳	۸۳/۵	۱۶۴/۴	۶۲/۲	۱۲۳/-	۶۲/۲	۸۱۱	۳۱۰/۱	۱۱۲۱/۱	۷۲/۳	۱۱۲۱/۱	۷۲/۳
۱۳۷۵	۷۳/۷	۱۳۸/۶	۱۱/۵	۹۸/۱	۷۳۳/۷	۹۸/۱	۱۷۴۲/۸	۲۵۸/۲	۲۰۰۳	۸۷/۱	۲۰۰۳	۸۷/۱
۱۳۷۶	--	۱۱/۴	۵۸/۱	۱۴۵/۶	۸۵/۲	۱۴۵/۶	۲۵۳/۳	۱۶۷/۹	۵۳۱/۲	۶۷/۸	۵۳۱/۲	۶۷/۸
* ۱۳۷۷	۲/۳	--	۲۴/-	--	۲۴/-	--	۹۱/۱	--	۹۱/۱	۱۰۰	۹۱/۱	۱۰۰
جمع کل	۶۲۶/۷	۹۱۵/۷	۲۸۷/۳	۵۳۲/۲	۷۳۸/۲	۵۳۲/۲	۲۲۶۷/۱	۱۸۶۰/۳	۶۱۲۷/۴	۶۹/۶	۶۱۲۷/۴	۶۹/۶
سهام (درصد)	۱۰/۶	۱۴/۹	۴/۷	۸/۸	۱۲/۱	۸/۸	۱۹/۵	۳۰/۴	۱۰۰	۶۹/۶	۱۰۰	--

مآخذ: سازمان صنایع ملی ایران، سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران، بانک صنعت و معدن و سازمان بورس اوراق بهادار تهران.

* شش ماهه اول ۱۳۷۷

* عملکرد سایر روش‌ها در سال ۱۳۷۷ هنوز در دسترس نمی‌باشد.

(ارقام به میلیارد ریال)

جدول ۲: برخی شاخص های مربوط به وضعیت مالی دولت و شرکت های دولتی طی دوره ۷۴-۱۳۶۲

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
عنوان												
بروجه کل کشور	۹۰۰۸/۳	۹۷۸۱/۷	۱۳۱۵۴/۳	۲۰۰۹۷/۳	۲۸۱۱۲/۱	۵۳۳۵۰/۴	۷۰۰۲۹۸/۷	۹۶۰۵۵/۵	۱۳۷۳۳۱/۶	۱۸۸۶۲۲	۲۳۰۴۳۰/۳	۱۳۷۸
بروجه عمومی دولت	۲۳۹۴/۸	۲۷۳۳/۸	۶۱۹۲/۰	۹۷۷۸/۵	۱۲۵۵۱/۰	۲۵۳۲۵/۸	۳۳۰۰۴/۳	۴۶۴۱۰/۰	۶۱۱۲۳/۸	۸۱۶۶۶/۴	۹۰۵۵۵/۹	۱۳۷۷
بروجه شرکت های دولتی، بانک ها و مؤسسات انتظامی وابسته به دولت	۵۰۸۷/۶	۵۴۵۸/۰	۷۸۳۱/۰	۱۲۰۶۳/۷	۱۷۹۷۲/۰	۲۵۵۲۵/۶	۳۶۵۳۴/۴	۶۶۵۳۳/۶	۸۹۰۷۸/۶	۱۱۸۶۶۵/۸	۱۵۳۸۸۶/۴	۱۳۷۶
نسبت بروجه عمومی دولت به بروجه کل کشور	۲۸/۸	۲۸/۶	۴۷/۱	۴۹/۳	۳۴/۱	۴۶/۹	۴۶/۰	۴۸/۳	۴۴/۵	۴۴/۲	۳۹/۳	۱۳۷۵
نسبت بروجه شرکت های دولتی به بروجه عمومی دولت	۵۶/۴	۵۶	۵۹/۶	۶۰	۶۷/۲	۶۵	۶۴/۴	۶۷/۲	۶۴/۹	۶۴	۶۶/۸	۱۳۷۴
نسبت بروجه کل کشور به بروجه شرکت های دولتی	۱۱۵/۷	۱۱۵/۴	۱۲۶/۶	۱۳۰/۰	۱۴۲/۴	۱۳۸/۷	۱۳۷/۹	۱۳۹/۰	۱۴۵/۷	۱۴۵/۶	۱۶۸/۱	۱۳۷۳
نسبت بروجه کل کشور به GDP	۳۹/۰	۳۶/۰	۴۶/۰	۴۶/۰	۴۲/۹	۵۷/۸	۵۴/۳	۵۳/۱	۵۸/۲	۶۷/۴	۶۷/۴	۱۳۷۲
نسبت بروجه شرکت های دولتی به GDP	۲۲/۰	۲۰	۲۲	۲۳/۸	۲۸	۳۷/۶	۳۳/۷	۳۵/۷	۳۷/۸	۴۲/۳	۴۲/۳	۱۳۷۱
دریافت های دولت از شرکت های دولتی و مؤسسات انتظامی وابسته به دولت	۲۰۲/۱	۱۲۹/۸	۱۵۸/۴	۲۳۱/۷	۳۶۶/۴	۲۹۲/۷	۱۱۲۳/۵	۹۲۷/۰	---	---	---	۱۳۷۰
دریافت های دولت به شرکت های دولتی و مؤسسات انتظامی وابسته به دولت	۲۰۹/۴	۲۰۶/۸	۲۸۷/۹	۷۸۷/۰	۲۶۷/۰	۲۶۹۰	۱۱۳۴/۰	۶۹۴۱/۰	---	---	---	۱۳۶۹
دریافت های منتهی به دریافت ها	۷/۳	۷۷/۰	۲۲۴/۵	۵۵/۳	۱۹۹/۳	۲۱۹۵/۳	۱۱/۵	۶۰۰۴/۰	---	---	---	۱۳۶۸
گسری بروجه	۲۱۷۵/۲	۱۱۲۲/۱	۴۱۸/۶	۱۱۵۷/۳	۱۰۹۱/۹	۶۶۴/۲	۲۶۶/۵	۱۱۱/۴	۵۴۳/۶	۶۵۳/۲	۶۵۳/۲	۱۳۶۷
حجم نقدینگی	۱۵۶۸۷/۶	۱۸۷۵۳/۳	۲۲۹۶۹/۵	۲۸۶۲۸/۴	۳۵۸۶۶	۴۸۱۳۵/۱	۶۱۸۴۳/۹	۸۵۰۷۲/۲	۱۱۶۵۵۷/۶	۱۲۴۴۱۷/۵	۱۲۴۴۱۷/۵	۱۳۶۶
سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت	۲۶/۶	۲۱/۲	۱۷/۸	۱۳/۱	۲۶/۱	۶۵/۱	۷۳/۴	۶۴/۱	۵۷/۲	۴۱/۶	۴۱/۶	۱۳۶۵
نسبت درآمدهای مالیاتی به درآمد کل دولت	۶۷/۰۰۰	۳۷/۳	۳۰/۱	۳۹/۵	۳۸/۱	۱۹/۹	۱۸/۷	۱۷/۵	۲۱/۹	۲۶/۷	۲۶/۷	۱۳۶۴
نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP	۴/۵	۴/۳	۴/۷	۵/۷	۵/۹	۴/۳	۴/۳	۴/۰۰۰	۵/۴	۶/۲	۶/۲	۱۳۶۳

مآخذ

- ۱- قوانین بودجه ستوانی.
- ۲- سالنامه آماری ستوانی.
- ۳- گزارش اقتصادی و خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- سری زمانی آمارهای اقتصادی، سازمان برنامه و بودجه.

جدول ۳: مقایسه تطبیقی برخی شاخص‌های عمده مالیاتی برای برخی کشورها در سال ۱۳۷۱

نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینه‌های جاری (درصد)	نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدها (درصد)	نام کشور
۱۱/۵	۸۷/۶	۹۱/۵	آرژانتین
۱۸/۷	۴۱/۳	۲۵/۰	برزیل
۲۰/۰	۶۸/۱	۵۸/۰	مصر
۱۱/۲	۷۴/۰	۷۸/۴	هند
۱۸/۳۰	۱۷۱/۰	۹۴/۶	اندونزی
۱۵/۶	۱۰۸/۶	۸۸/۱	کره جنوبی
۲۰/۳	۸۰/۵	۷۴/۲	مالزی
۱۷/۳	۸۶/۹	۹۲/۳	مکزیک
۲۰/۵	۹۵/۸	۸۹/۳	مراکش
۱۲/۲	۶۸/۱	۷۰/۸	پاکستان
۲۰/۴	۸۱/۴	۸۱/۱	سريلانكا
۱۸/۶	۱۵۵/۶	۹۱/۴	تایلند
۱۵/۴	۷۱/۰	۷۹/۵	ترکیه
۱۸/۹	۱۱۰/۹	۷۹/۲	ونزوئلا
۵/۹	۴۸/۵	۳۸/۱	ایران
۲۴/۳	۹۶/۴	۹۰/۰	استرالیا
۴۶/۲	۹۱/۱	۹۱/۵	هلند
۲۹/۰	۹۴/۳	۹۳/۷	آلمان
۳۸/۵	۹۵/۴	۸۶/۶	سوئد
۱۸/۳	۷۹/۶	۹۲/۴	امریکا
۳۳/۷	۹۷/۴	۹۰/۶	انگلیس

Source : Government Finance Statics, 1995.

جدول ۴: روند بدهی های دولت به سیستم بانکی طی دوره ۷۶-۱۳۵۸ (ارقام به میلیارد ریال)

سال	خالص بدهی دولت به بانک مرکزی به علاوه ذخیره تمهیدات	رشد	خالص بدهی های دولت به بانکهای تجاری و تخصصی	رشد	خالص بدهی دولت به سیستم بانکی	رشد
۱۳۵۸	۲۹۰/۳	۸/۰	۳۵۵	۲۱۲/۲	۶۴۵/۳	۶۸/۷
۱۳۵۹	۱۲۸۶/۶	۳۴۳/۲	۶۹۲	۹۵/۰	۱۹۷۸/۶	۲۰۶/۶
۱۳۶۰	۱۹۰۷/۶	۴۸/۳	۷۴۷/۱	۸/۰	۲۶۵۴/۷	۳۴/۲
۱۳۶۱	۲۶۱۰/۵	۳۶/۹	۹۶۵/۳	۲۹/۲	۳۵۷۵/۸	۳۴/۷
۱۳۶۲	۳۲۴۱/۴	۲۴/۲	۱۰۷۳/۹	۱۱/۳	۴۳۱۵/۳	۲۰/۷
۱۳۶۳	۴۰۲۵/۹	۲۴/۲	۱۱۰۷/۴	۳/۱	۵۱۳۳/۳	۱۹/۰
۱۳۶۴	۴۸۰۵/۷	۱۹/۴	۹۷۱/۲	-۱۲/۳	۵۷۷۶/۹	۱۲/۵
۱۳۶۵	۶۴۰۶/۸	۳۳/۳	۱۰۲۱/۳	۵/۲	۷۴۲۸/۱	۲۸/۶
۱۳۶۶	۷۷۴۵/۸	۲۱/۰	۱۰۰۱/۷	-۲/۰	۸۷۴۷/۵	۱۷/۸
۱۳۶۷	۹۵۷۲/۵	۲۳/۶	۹۶۹/۴	-۳/۲	۱۰۵۴۲	۲۰/۵
۱۳۶۸	۱۰۵۸۲	۱۰/۶	۱۰۹۶	۱۳/۱	۱۱۶۷۸	۱۰/۸
۱۳۶۹	۱۰۵۰۹	-۰/۷	۱۱۳۹/۱	۴/۰	۱۱۶۴۸	-۰/۳
۱۳۷۰	۱۱۲۰۷	۶/۴	۱۰۳۱/۴	-۹/۵	۱۲۲۳۸	۵/۱
۱۳۷۱	۱۱۲۰۹	۰/۰۲	۱۱۴۶/۲	۱۱/۱	۱۲۳۵۵	۱/۰
۱۳۷۲	۱۹۰۶۲	۷۰/۱	۱۰۵۲	-۸/۲	۲۰۱۱۴	۶۲/۸
۱۳۷۳	۲۴۰۲۱	۲۶	۱۳۷۶	۳۰/۸	۲۵۳۹۷	۲۶/۳
۱۳۷۴	۲۸۸۳۷	۲۰/۱	۱۵۹۲/۴	۱۵/۷	۳۰۴۳۰	۱۹/۸
۱۳۷۵	۳۰۷۰۷	۶/۵	۱۵۴۳/۴	-۳/۱	۳۲۲۵۰	۶/۰۰۰
۱۳۷۶	۳۵۷۳۸	۱۶/۴	۱۴۰۴	-۹	۳۷۱۴۲	۱۵/۲

مآخذ: گزارش اقتصادی و خلاصه تحولات اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

-گزارش مالی دولت برای سال های مختلف.

جدول ۵: روند بدهی های شرکت های دولتی به سیستم بانکی طی دوره ۷۶-۱۳۵۸

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	خالص بدهی شرکتهای دولتی به بانک مرکزی	به رشد	خالص بدهیهای شرکتهای دولتی به بانکهای تجاری و تخصصی	رشد	خالص بدهی شرکتهای دولتی به سیستم بانکی	رشد
۱۳۵۸	۴۲۳/۳	۲۰/۵	-۸۱/۳	۱/۸	۳۴۲	۲۶/۰
۱۳۵۹	۴۴۰	۴/۰۰۰	۴/۱	۱۰۵/۰	۴۴۴/۱	۲۹/۹
۱۳۶۰	۴۳۰/۲	-۲/۲	۱۷/۳	۳۲۲/۰	۴۴۷/۵	۰/۸
۱۳۶۱	۳۱۳/۶	-۲۷/۱	۱۶/۵	-۴/۶	۳۳۰/۱	-۲۶/۲
۱۳۶۲	۳۸۸/۲	۲۳/۸	۲۱/۸	۳۲/۱	۴۱۰	۲۴/۲
۱۳۶۳	۳۸۶/۹	-۰/۳	۴۳/۱	۹۷/۷	۴۳۰	۴/۹
۱۳۶۴	۴۴۱/۱	۱۴/۰	۳۳/۶	-۲۲/۰	۴۷۴/۷	۱۰/۴
۱۳۶۵	۴۰۰/۴	-۹/۲	۱۲۴/۴	۲۷۰/۲	۵۲۴/۸	۱۰/۶
۱۳۶۶	۲۶۱/۲	-۳۴/۸	۲۳۴/۹	۸۸/۸	۴۹۶/۱	-۵/۵
۱۳۶۷	۴۰۶/۶	۵۵/۷	۳۵۱/۹	۴۹/۸	۷۵۸/۵	۵۲/۹
۱۳۶۸	۴۰۳/۵	-۰/۸	۴۷۱	۳۳/۸	۸۷۴/۵	۱۵/۳
۱۳۶۹	۸۰۲	۹۸/۸	۸۲۲/۵	۷۴/۶	۱۶۲۴/۵	۸۵/۸
۱۳۷۰	۱۰۵۵/۶	۳۱/۶	۹۵۳	۱۵/۹	۲۰۰۸/۶	۲۳/۶
۱۳۷۱	۱۵۶۱/۱	۴۷/۹	۲۰۵۶/۱	۱۱۵/۸	۳۶۱۷/۲	۸۰/۱
۱۳۷۲	۲۹۲۱/۵	۸۷/۱	۳۳۸۲	۶۴/۵	۶۳۰۴	۷۳/۱
۱۳۷۳	۳۲۹۸/۴	۱۲/۹	۴۷۵۴/۴	۴۰/۶	۸۰۵۲/۸	۲۸/۶
۱۳۷۴	۶۶۶۶	۱۰۲/۱	۷۸۸۳	۶۵/۸	۱۴۵۴۹	۷۶/۸
۱۳۷۵	۸۶۳۲/۵	۲۹/۵	۱۲۱۸۵		۲۰۸۱۸	
۱۳۷۶	۹۲۶۶	۷/۳	۱۹۸۳۵		۲۹۱۰۱	

مآخذ: همان مآخذ جدول شماره ۴

جدول ۶: وضعیت مالی دولت و ارتباط آن روی تورم در ایران طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۵۸ (رقم به میلیارد ریال)

سال	حاصل بهای شرکتی دولتی به سینه ریال	حاصل بهای دولت به سینه ریال	حاصل بهای بخش دولتی به سینه ریال	گرفتن بودجه	استفراغ از بانک مرکزی	تراکم سهم ارزوفز ارز نسبت به کل ارز	برگشت به گری به سینه ریال	است درآمد حاصل از دولت بودجه	رشد نقدینگی	نرخ تورم
۱۳۵۸	۳۴۲	۶۵۴/۳	۹۸۷/۳	۵۲۸/۳	۲۵۰	--	۶۶/۳	--	۴۰/۷	۱۱/۳
۱۳۵۹	۴۴۴/۱	۱۹۷۸/۶	۲۴۲۲/۷	۹۷۲/۵	۶۸۸/۶	--	۷۰/۸	--	۲۴/۳	۲۳/۵
۱۳۶۰	۴۴۷/۵	۲۶۵۴/۷	۳۱۰۲/۲	۹۳۷	۷۷۹/۱	--	۸۳/۱	--	۱۶/۲	۲۳
۱۳۶۱	۳۳۰/۱	۲۵۷۵/۸	۲۹۰۵/۹	۷۷۵/۷	۵۶۷/۲	--	۷۳/۱	--	۲۲/۸	۱۹/۲
۱۳۶۲	۴۱۰	۴۳۱۵/۳	۲۷۲۵/۳	۱۰۷۲/۷	۶۹۵/۷	۵/۷	۶۴/۸	۰/۵۳	۱۶/۸	۱۴/۷
۱۳۶۳	۴۳۰	۵۱۳۳/۳	۵۵۶۳/۳	۷۱۸	۳۶۴/۷	۳۴/۵	۵۰/۸	۴/۸	۶/۰۲	۱۰/۳
۱۳۶۴	۲۷۴/۷	۵۷۷۶/۹	۶۲۵۱/۶	۶۲۱/۹	۲۵۵	۸۸/۷	۴۱	۱۴/۳	۱۴/۰	۶/۵
۱۳۶۵	۵۲۴/۸	۷۴۲۸/۱	۷۹۵۲/۹	۱۳۷۵	۱۲۸۴	۱۷/۹	۹۳/۴	۱/۳	۱۹/۱	۲۳/۶
۱۳۶۶	۴۹۶/۱	۸۷۴۷/۵	۹۲۲۳/۶	۱۴۲۹/۸	۱۳۷۲/۷	۸۷	۹۶/۱	۶/۱	۱۸/۲	۲۷/۸
۱۳۶۷	۴۹۶/۱	۱۰۵۳۲	۱۱۳۰۰/۳	۲۱۲۵/۲	۲۰۲۴/۵	۱۴۱/۵	۹۶/۱	۶/۷	۲۴/۸	۲۷/۸
۱۳۶۸	۷۵۸/۵	۱۱۶۷۸	۱۲۵۵۲/۸	۱۱۴۲/۱	۱۱۳۷/۸	۷۴۴/۳	۹۹/۶	۶۵/۲	۱۹/۵	۱۷/۴
۱۳۶۹	۱۶۲۴/۵	۱۱۶۴۸	۱۳۲۷۲/۲	۴۱۸/۶	۵۵۷/۳	۲۲۵۶/۸	۱۳۳/۱	۵۳۹/۱	۲۲/۵	۹
۱۳۷۰	۲۰۰۸/۶	۱۲۲۳۸	۱۴۲۴۹/۶	۱۱۵۷/۳	۹۶۰/۵	۲۵۱۰/۷	۸۰/۸	۲۱۰/۵	۲۴/۶	۱۹/۶
۱۳۷۱	۳۹۱۷/۲	۱۲۳۵۵	۱۵۹۷۲/۱	۱۰۹۱/۹	۹۰۷/۷	۴۰۷۲/۸	۸۳/۱	۳۷۳/۴	۲۵/۳	۲۱/۶
۱۳۷۲	۶۳۰۴	۲۰۱۱۴	۲۵۶۰۷	۶۳۶	۲۲۱/۴	--	۳۳/۷	--	۳۴/۲	۲۶/۸
۱۳۷۳	۸۰۵۲/۸	۲۵۴۹۷	۳۳۳۴۹/۶	۲۶۶	--	۲۴۰	--	۹۰/۲	۲۸/۵	۲۵/۲
۱۳۷۴	۱۴۵۴۹	۴۰۴۳۰	۴۴۹۷۲/۴	۱۱۱/۴	--	۲۷۶۵	--	۲۴۸۲	۳۷/۶	۲۹/۴
۱۳۷۵	۲۰۸۱۸	۳۲۲۵۰	۵۳۴۶۶	۵۳۴/۶	--	۵۴۰۷/۳	--	۱۰۱۱/۵	۳۷/۶	۲۹/۴
۱۳۷۶	۲۹۱۰۱	۳۷۱۴۲	۶۶۲۴۳	۶۵۳/۳	--	۱۰۴۲۸/۷	--	۱۵۹۶/۳	۱۵/۲	۱۷/۳

منابع

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف.
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور برای سال‌های مختلف.
- ۳- مجموعه گزارش‌های مالی دولت.
- ۴- قوانین بودجه سنواتی.
- ۵- سالنامه آماری سنواتی.

منابع و مأخذ

- ۱- احمدوند، محمدرحیم، «تحلیلی پیرامون خصوصی سازی و روند آن در برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» رساله کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر اکبر کمیجانی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران شهریور ۱۳۷۴.
- ۲- کمیجانی، اکبر و احمدوند، محمد رحیم، «تحلیلی پیرامون مبانی نظری، تجربه برخی کشورها در امر خصوصی سازی و نگاهی به عملکرد آن در ایران» مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شماره ۳۱ سال ۱۳۷۵.
- ۳- معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی طرح تحقیقاتی، «ارزیابی عملکرد خصوصی سازی و شناسایی موانع و تنگناهای آن در ایران» مجری طرح دکتر اکبر کمیجانی و همکاران طرح محمد-رحیم احمدوند، حسن خوشپور و خانم مهتری رحیمی فر، بهمن ۱۳۷۵.
- ۴- کمیجانی، اکبر و محمدرحیم احمدوند «مروری بر مبانی نظری و رهیافت های خصوصی سازی در چند کشور» نشریه مجلس و پژوهش شماره ۲۴، سال ۱۳۷۷.
- ۵- کمیجانی، اکبر و محمدرحیم «ارزیابی عملکرد واگذاری سهام سازمان های عمده واگذار کننده» مجله تحقیقات اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، شماره ۵۳ سال ۱۳۷۷.
- ۶- سازمان صنایع ملی ایران، «شرح عملکرد و آمار واگذاری شرکت ها ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۷۶» معاونت اقتصادی و پشتیبانی.
- ۷- سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، «گزارش عملکرد فروش سهام از ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۶».
- ۸- بانک صنعت و معدن «عملکرد واگذاری سهام از ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۷۶» اداره فروش سهام شرکت ها.
- ۹- جعفری صمیمی، احمد، «بررسی رابطه تورم و کسری بودجه دولت در ایران»، مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شماره ۱۳ تابستان سال ۱۳۷۱.
- ۱۰- جعفری صمیمی، احمد، «استقراض ملی در کشورهای مختلف جهان» مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شماره ۶ سال ۱۳۶۹.
- ۱۱- دلقندی، سیدابوالفضل، «مکانیزم انتقال اثر حجم پول بر سطح قیمت ها و متغیرهای واقعی اقتصاد ایران» مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شماره ۱۶ و ۱۷ سال ۱۳۷۲.
- ۱۲- جعفری صمیمی، احمد، «منابع درآمد های عمومی دولت و ...»، مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شماره ۷ سال ۱۳۶۹.

13- Kikeri, S, Nellis. jand Shirly, M. " Privatiztion Lessons of Experience ", Washington D.C : the World Bank 1993.

14- Bohm. A, " Privatization in Central Eastern Europe 1994 ", Conference Series No, 5,

- UNDP, EDI, 1995.
- 15- Golol. A and Shirley. M, " *Does Privatization Dilivers* ", Economic Development Institute of World Bank, March, 1994.
- 16- Bishop, M. and kay. J. " *Does Privatization Work* ", London Business School 1988.
- 17- Bos. D, " *Privatiztion in Europe in Comparative Approaches* ", Oxford Review of Economic Policy. VOL, 9,1993.
- 18- The World Bank Group, " *Privatization Principles and Practice International Finance Corporation* ", 1995.
- 19- Hoshino, T, " *Privatization of Mexico's Public Exterpeses and The Restrucring of The private Sector the Developing Economies*" XXXIV-I , March 1996.
- 20- Mackenzie ,G.A. " *The Macroeconomic Lmpact of privation* ", International Monetary fund, November 1997.
- 21- Dieter, BOS. " *Privatization and Restruc - L.M.F* ", September 1996.